

پیشکش

به خاقانی پژوهانی که خاقانی وار خامه زن اند؛

و به استاد علامه احمد مهدوی دامغانی، پاسداشت کهنترنوازشان.

## مقدمه

دیوان خاقانی شروانی به عنوان یکی از مهم‌ترین متون نظم پارسی از ارزش و مقام قابل توجهی برخوردار و از جهات متعدد دارای اهمیت و شایسته پژوهش است. با توجه به رشد چشمگیر خاقانی پژوهی در دو سه دهه اخیر، می‌توان امیدوار بود که در آینده‌ای نه چندان دور و پس از سده‌ها، دیوان خاقانی جایگاه حقیقی خود را در ادب پارسی دریابد.

زندگی خاقانی، شرح، تصحیح، تحقیق در ظرافتهای ادبی و پژوهش در پشتوانه فرهنگی شاعر، مهم‌ترین وجوه خاقانی پژوهیها بوده و از این رهگذر کتابها، مقالات و جستارهای متعددی توسط پژوهشگران به رشته تحریر درآمده است. در این آثار فراز و فرود بسیار است، آنان که تلاش بیشتر و تحقیق شایسته‌ای انجام داده، آثار بهتری عرضه کرده‌اند و دیگران که کمتر خود را به زحمت انداخته، نتوانسته‌اند گامی سازنده و رو به جلو بگذارند. با این حال این یک حقیقت است که دیوان خاقانی چنانکه شاید و باید مورد تحقیق قرار نگرفته است. از دیرباز تاکنون، عمده‌کاستی خاقانی پژوهیها این بوده که پژوهشگر نتوانسته به گونه‌ای بایسته هم به ظرافتهای ادبی سخن پردازد و هم به پشتوانه فرهنگی. از یک سو پژوهشگرانی بوده‌اند که در زمینه کشف و ثبت پشتوانه فرهنگی خاقانی گامهای مؤثری برداشته‌اند، اما از تحلیل ظرافتهای ادبی و در حقیقت جنبه بلاغی سخن غافل بوده‌اند و از سوی دیگر آنان که به روشنگری در باب جنبه بلاغی سخن پرداخته‌اند، در زمینه تبیین و تحلیل آگاهیهای شاعر، ناموفق

بوده‌اند. این کاستی، گزاره‌ای است که در آسیب‌شناسی شرح دیوان بدان پرداخته‌ایم؛ همچنان‌که پیشتر در باب آسیب‌شناسی تصحیح دیوان سخن گفته‌ایم.

نگارنده این سطور بنا بر علاقه‌ای که به هنر شاعری خاقانی و طریق غریب او در سخنوری داشته و دارد، از سال ۱۳۸۸ با نیت تحقیق در تصاویر شاعرانه دیوان او و سرانجام نگارش فرهنگ صور خیال آن، دست به تحقیق در این اثر زد. در این زمان — که در حقیقت دوره کارشناسی ارشد بنده بود — از عنایات و راهنمایی‌های استاد گرانقدرم، دکتر نصرالله امامی بهره‌مند شدم و بنا بر آگاهی از فواید مطالعه تخصصی و توصیه‌های مؤکد استاد در این باب، بر خود بایسته گردانیدم که از حیطه خاقانی فراتر نروم و با وجود تمام موانع و کاستیهای پیش رو با پژوهش در مناطق محروم غربی کشور، به کار خود ادامه دهم.

از آنجا که صور خیال در شعر خاقانی، عنصر کانونی و به تعبیر فرمالیستهای روس، «وجه غالب» است؛ تحقیق درست و اصولی در باب آن، رمز بزرگی در گشودن این دیوان سترگ بود که آن را به‌خوبی دریافته بودیم. برای ورود به دنیای خاقانی، بهترین گذرگاه، صور خیال اوست؛ در حقیقت دیوان خاقانی، دریایی و بلکه اقیانوسی از هنر و فضل است که از دریچه صور خیال می‌توان چنان‌که باید و شاید بدان نگرست. بن‌مایه و ژرف‌ساخت این تصاویر گونه‌گون و بدیع، پشتوانه فرهنگی بزرگی است که پنداری خاقانی صرفاً به جهت همین شیرینکاریها اندوخته است. خاقانی چنان این پشتوانه فرهنگی را به کار گرفته است که حتی در پس ساده‌ترین مضامین، تصاویر و تعبیرش می‌توان گزاره فرهنگی قابل تأملی یافت. همین توجه به ظرافتهای ادبی و پشتوانه فرهنگی شاعر سبب شد تا معیارهایی نو در تصحیح دیوان یافته و مقالاتی در این باب نوشته شود. نقد و بررسی آثار خاقانی پژوهان، حوزه دیگری از این خاقانی‌پژوهیهای من بود. همواره هدفم در این زمینه، غنا بخشیدن به این آثار بوده است.

متأسفانه هنوز فرهنگ نقد و نقادی در جامعه ما به‌خوبی درک نشده است و برخی برحقوقند که نقادی را نوعی دشمن‌تراشی بدانند. شخصی که اثرش مورد بررسی و نقد قرار گرفته است، می‌پندارد که منتقد با وی سر دشمنی دارد و آمده است تا وی را

زردرو کند. اینگونه کوتاه‌فکری، نتایجی سوء به همراه داشته و خواهد داشت، در این میان هم مؤلف و هم فرهنگ زیان خواهند دید: فرهنگ بدان سبب که دیگر منتقدی در میان نخواهد بود که آثار سست و بی‌اصالت را از آثار اصیل، تمیز دهد؛ مؤلف نیز از آن رو که نمی‌تواند از غث و سمین کار خود آگاه شود و کار خود را غنا ببخشد. در این میان، منتقد جز احساس ناخوشایندی که سست‌کاریها و پخته‌خوارها به وجود می‌آورند، ضرری نخواهد کرد. نمونه را پیشتر شخصی در جواب نوشتاری انتقادی از بنده، چنان تافته شده بود که در پاسخ آن نوشتار، به اشتباه به جای مهدوی‌فر، مهدوی‌پور در عنوان سخن خود آورده بود! حال آنکه من خود چند ماه پیش از چاپ، مقاله را برای آن شخص فرستاده بودم. تا اینکه مسئولین نشریه برای چاپ، آن غلط فاحش را اصلاح کردند: *وَ إِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ*.

این دفتر که با عنایت به نام خاقانی «بدیل بی بدیل» نام گرفته، دربرگیرنده پنج مقاله با محور نقد و بررسی است. این مقالات به تناوب طی سالهای ۱۳۸۹-۱۳۹۱ نوشته شده و تقدیم نشریه *آینه میراث* شده است. در دو مقاله به بررسی دیوان خاقانی تصحیح استاد فقید، دکتر سید ضیاءالدین سجادی و ویراسته آقای دکتر میرجلال‌الدین کزازی پرداخته‌ایم، بررسی در اینجا عمدتاً براساس معیارهای نویافته‌ای است که از تحقیق در ظرافتهای ادبی دیوان به دست آورده‌ایم. مقاله دیگر در باب فرهنگ تحلیلی لغات و ترکیباتی است که اخیراً آقای دکتر رسول چهرقانی منتظر تألیف کرده‌اند. تأمل در کتاب *پنجنوش سلامت (دفتر چهارم شرح مشکلات دیوان)* از دکتر عباس ماهیار، دیگر نوشتار این مجموعه است. آخرین جستار ما نیز، نگاهی به ضبط و گزارش ابیاتی از خاقانی در فرهنگ جهانگیری است که بحق یکی از بهترین فرهنگهای فارسی نوشته شده در هند است. امیدوارم این مقالات بتوانند رسالت خود را به نیکی انجام دهند.

جای آن است که در این مقام، نخست از استادم، جناب آقای دکتر نصرالله امامی سپاسگزاری کنم که در دوره کارشناسی ارشد، فرصت مطالعه بیشتر را به من ارزانی داشتند و بر رغبتم به شعر خاقانی و تحقیق در باب او افزودند. از مدیر محترم مرکز پژوهشی میراث مکتوب، جناب آقای دکتر ایرانی که سبب‌ساز چاپ مقالات بدین هیأت

شدند، قدردانی می‌کنم. از سردبیر محترم و ویراستار ارجمند مجله وزین آینه میراث، آقای دکتر رضائی باغبیدی و آقای بهرامی تشکر می‌کنم. به مانند همیشه زحمات خانم بنی‌طباء، مدیر داخلی و خانم افشار، صفحه‌آرای مجله، شایان ذکر و تقدیر است.

سعید مهدوی‌فر

